

# گل و نوز روز

از

ابو العطاء کمال الدین محمود بن علی بن محمود

خواجوی کرمانی

با اتمام و کوشش

کمال عینی



آمارات بیاد فرسنگ ایران



فرمان

علیحضرت ہمایون محمدرضا پہلوی  
شاہنشاہ آریامیر

www.KetabFarsi.com

# بنیاد فرهنگ ایران

دیاست اقماری

علی حضرت فرج پهلوی شهبانوی ایران

یاست یاست

والا حضرت شاد دشت اشرف پهلوی

www.KetabFarsi.com



سال کوروش کبیر

دو جشنهای دو هزار و پانصد ساله بنیان گذاری

شاهنشاهی ایران

www.KetabFarsi.com



با همکاری

استیتوی جاورشاسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

و

استیتوی جاورشاسی فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان شوروی سوسیالیستی

از این کتاب

۱۵۰۰ نسخه در زمستان ۱۳۵۰ در چاپخانه حر می

چاپ شد

## فهرست مطالب

یازده	دیباچه
سیزده	چگونگی نسخه‌های خطی گل و نورور
	متن کتاب
	۳ - ۲۸۸
۶	فی نعمت سید المرسلین و حاتم النبیین
۸	فی مدح سلطان العارمین امایرید السطامی
۱۲	در معانی و در حواصت از حضرت ماری حل دکره
۱۵	در سابقه نظم کتاب و حال خود گوید
۱۸	در مدح تاج الحق والذین عراقی
۲۲	در سب این قصه به نظم آوردن
۲۵	در آعار داستان
۳۰	رسیدن شاه راده نورور به جهان اهرور کشمیری
۳۳	در صفت جمال گل و احوال او
۳۹	دیدن نورور دومرع سررا در حواص
۴۴	احارت سفر حواصتنی شه راده اربدر



- ۴۷ معلوم کردن شاه پرور احوال نورور و مهرسب حکیم
- ۵۵ حکایت وزیر محمد
- ۵۶ پاسخ دادن شاهزاده نورور مهرسب حکیم را
- ۶۱ مثل زدن شاهزاده نورور
- ۷۲ بازگشت مهرسب حکیم به بردیک شاه پرور
- ۷۶ ملامت کردن مهران شاهزاده نورور را
- ۸۱ مثل زدن مهران با نورور از داستان مهره مهران
- ۱۰۳ پاسخ دادن شاهزاده مهران مهرسب را
- ۱۰۶ مثل زدن شاهزاده از داستان کمال و جمال
- ۱۱۴ پشیمان شدن مهران از ملامت شاهزاده
- ۱۱۸ روان کردن شاه پرور نورور را
- ۱۲۲ فرود آمدن شاهزاده نورور با موبدان درمراء از
- ۱۲۶ رسیدن نورور به سرحد روم
- ۱۳۲ رهس شاهزاده نورور به وسعت یا هوت خادم
- ۱۳۷ نرم آراسن سلم رومی در شب
- ۱۴۲ نرم کردن شاهزاده نورور و شروین
- ۱۴۶ بندست آوردن شاهزاده نورور سلمی را
- ۱۵۰ کوچ کردن نورور و رسیدن به سپاه و رخ زور
- ۱۵۵ مثل زدن راهب با شاهزاده نورور
- ۱۶۵ رسیدن شاهزاده نورور به دردان
- ۱۶۹ رسیدن شاهزاده به حد مصر به
- ۱۷۵ بردن شاهزاده نورور ازدها را
- ۱۸۱ کشی گرس شاهزاده ناشیل رنگی

۱۸۵	آمدن دایه به بردنک نورور
۱۸۸	رفتن شاه راده به مارگاہ قصر به حواسنگاری
۱۸۳	رفتن شاه راده نورور درصفت به رسم عیال
۱۹۷	آنگاه شدن گل باهداد از آمدن نورور
۵۵	بواساحس شهباز چنگی
۱۵۵	لشکر کشیدن فرح رور شامی به درقصر به
۵۸	کشمه شدن فرح رور شامی
۱۲	بردن طوفان جادوگل را ارشسبان
۱۵	راندن شاه راده در عقب بحصر
۱۸	دندن شه راده در شب پیر عمی را
۲۱	رسیدن نورور به قصر شاپور
۲۶	رسیدن گل و نورور به روم
۳۵	رفتن نورور بمجلس خاص
۳۵	رسیدن گل و نورور به یکندهگر
۴۵	روان کردن قصر مهد را مانورور به ایران
۴۴	رسیدن شاه راده نورور به دیدار اش اهرور
۴۶	سؤال ارمنشاء و معاد و جواب آن
۴۷	سؤال در پرسیدن اسم ام و جواب آن
۴۷	سؤال در صاحب الرمان و جواب آن
۴۸	سؤال در حرکات فلکی و جواب آن
۴۸	سؤال مدت ادوار فلک و جواب آن
۴۹	سؤال در اسرار ازل
۴۹	سؤال در معات و جواب آن
۵۵	سؤال در رحمت و جواب آن
۵۵	سؤال در سان روح و جواب آن

- ۲۵۱ سؤال در کیفیت حردمند و جواب آن
- ۲۵۲ سؤال در تصور و جواب آن
- ۲۵۲ سؤال در تصدیر و جواب آن
- ۲۵۳ سؤال در تفصل و جواب آن
- ۲۵۳ سؤال در توابع و جواب آن
- ۲۵۴ رسیدن شاه راده ناگل به مرو
- ۲۵۷ شش شاه راده نورور به پادشاهی
- ۲۶۰ ولادت شاه راده قناد و وفات گل
- ۲۶۵ در مدح ابراهیم کارروبی
- ۲۶۹ خطاب با نادر و ارسال عمودیت به
- ۲۷۲ در تاریخ ولادت خویش گوید
- ۲۷۶ در موعظه و وصف کتاب و تاریخ و عدد ابیات کتاب
- ۲۸۲ در حسب حال خویش ناممدوح و حاتمیت کتاب گوید

## دیباچه

« گل و نوروز » دومین کتاب آثار سحرور نامی حواجوی کرمانی است که به همت ادیب و دانشمند تاجیکستان و ایران شاس شوروی آقای کمال‌الدین عیسی و نا همکاری سیاد فرهنگ ایران منتشر می‌شود. حای خوشوقتی است که همکاری علمی و ادبی میان دستگانه‌های پژوهشی و فرهنگی ایران و کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روز به روز گسترش می‌یابد. این همکاری تاکنون از طرف استیتوی حیاورشناسی و فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی و فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان شوروی سوسیالیستی و فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان شوروی سوسیالیستی و دانشکده حیاورشناسی دانشگاه لیس‌گراد نا سیاد فرهنگ ایران به عمل آمده و نتایج سودمند و گرانبائی به‌بار آورده است. از آن جمله است چاپ تحقیقی کتاب « بدابع الوقایع » که نخستین بار به تصحیح و مقابله دانشمند نامی و گرامی آقای پروفسور بولدیرف رئیس گروه ایران شناسی دانشگاه لیس‌گراد در مسکو به چاپ رسید و چون نسخه‌های آن به امام رسیده بود بار دیگر نا تجدید نظر از طرف سیاد فرهنگ ایران در دو حاد انتشار یافت. دیگر کتاب « ویس و رامس » ویرالدین اسعد گرگانی است،

که به مقابله و تصحيح آفایان ماگالی تودوا و الکساندر گواچار یا با همکاري  
 آقای کمال الدین عیسی و راهمائی کلی آکادمیسیں گ و تسرتلی به طبع  
 رسید و مظلومه، همای و همایون حواجوی کرمانی، و گل و بودور از آثار  
 همان مسطور کرمان که همین کتاب حاضر است

گذشته ازین بیاد فرهنگ ایران کوشیده است با تحقیقات دانشمندان  
 شوروی را که درباره زبان و تاریخ و فرهنگ ایران انجام گرفته به فارسی  
 ترجمه کند و در دسترس محققان ایرانی قرار دهد از این جمله تاکنون ترجمه  
 کتابهای دستور زبان فارسی میانه، تألیف نابور و س راستارگودوا و کتاب  
 ناصر خسرو و اسماعیلیان تألیف آقای ای برتلس انتشار یافته و دو کتاب  
 «زبان شناسی ایرانی» تألیف آقای ای م اوراسکی و ترکستان اثر معروف  
 آکادمیسیں و و بارتلد به فارسی ترجمه شده و تحت طبع است  
 بیاد فرهنگ ایران امیدوار است ان همکاری علمی دانشمندان دو کشور  
 هر چه بیشتر توسعه یابد و سایح درخشانی از آن حاصل شود

دبیر کل بیاد فرهنگ ایران

پرویر نائل جانوری

## چگونگی سح‌های حطی و تهیه متن انتقادی

### «گل و نوروز» حواجوی کرمانی

حواجوی کرمانی از حمله شعرای معروف قرن هشتم هجری است که تاکنون آثار او مورد بررسی و تحقیق کامل قرار نگرفته است. گذشته از این قسمت پیشین با لغات این گوینده نامی تا بحال حتی از راه مقاله نسخ معترض حطی تصحیح و منتشر شده است. درباره آن قسمت از آثار این شاعر که تاکنون انتشار یافته، ابتدا می‌توان حساب دیوان شاعر را ذکر کرد که از طرف آقای احمد سهیلی حواساری مقاله و تصحیح شده است.<sup>۱</sup> اما ارداستا بهای حواجو که تا این اواخر به چاپ رسیده دو داستان «روسة الانوار» که به اهتمام مرحوم کوهی کرمانی تصحیح گردیده است<sup>۲</sup> و «همای و همایون» را می‌توان نام برد. علاوه «همای و همایون» حواجوی کرمانی در سالهای پس دوبار در لاهور و بمبئی انتشار یافته است.<sup>۳</sup> تردیدی نیست که این دو شعر «همای و همایون» حواجو از حیث قدمت دارای اهمیت می‌باشد، ولی چون هیچ‌یک از این ناسرین نسبت به تهیه متن فارسی این شعر نظر علمی نداشته و هدف

۱- بگردید دیوان اشعار حواجوی کرمانی به تصحیح احمد سهیلی حواساری، تهران، چاپخانه حیدری ۱۳۳۶، ۸۱۵ صفحه

۲- بگردید روضة الانوار کمال الدین ابوالعطاء محمود بن علی، به اهتمام کوهی کرمانی، تهران، ۱۳۵۶ شمسی، ۱۱۶ صفحه

۳- نشر لاهور ۱۲۸۹ ق، برابر ۱۸۷۱ م، سنگی، ۳۵۳ صفحه. نشر بمبئی به اهتمام م اردکان، ۱۳۲۵ ق، سنگی حسن، ۲۹۶ ص

آنها حر چاپ معمولی و ناداری اثر بیش نبوده است، ما نمی‌توانیم کار آنها را از نظر نقد و محک علمی امروز بپذیریم. بدین دلایل نگارنده در طرف سالیهای بسیاری درصدد جستجوی نسخه‌های قدیمی و معسر داسنامه‌های حواحوی کرمانی برآمده که تا از راه مقاله مسح مختلف متن انتقادی داستانهای شاعر را فراهم آورد برای انجام این بیت نسخه‌های متعدد آثار حواحوی کرمانی که در کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورها از جمله ایران دیده و با عکس برداری کرده است، چهار نسخه قلمی را برای تهیه متن انتقادی داستان «همای و همایون» اساس قرار داده است. چگونگی نسخه‌های اسباب‌شده بطور مختصر در مقدمه‌ای که در کتاب مذکور به کوشش اینجانب بچاپ رسیده، قید گردیده است.

همانطور که ذکر شد برای تهیه و تدوین متن انتقادی «همای و همایون» حواحو چهار نسخه خطی یعنی دو دست‌نویس کلیات آثار آن گوینده از کتابخانه ملی ملک در ایران (تحت شماره‌های ۴۷۵۱ و ۵۹۶۳)، یک نسخه طریف مشتمل بر سه داستان حواحوی کرمانی (همای و همایون، کمال‌نامه و روضه‌الانوار) از ریختن موریم در شهر لندن (نسخه ل) و نسخه داسنامه‌های شاعر از گنجینه مسح خطی فرهنگستان علوم تاجکستان شوروی (تحت شماره ۷۶۶) مورد مطالعه و مقاله و تدوین و تصحیح قرار گرفت. کتاب مذکور را بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۸ شمسی قمری مطابق با ۱۹۶۹ در سلسله انتشارات خود به عنوان همکاری فرهنگی و علمی با فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی و فرهنگستان علوم جمهوری شوروی تاجکستان منتشر نمود.<sup>۱</sup> برای تهیه و تدوین متن داستان «گل و نورور» حواحوی کرمانی که اینک در دسترس خوانندگان قرار می‌گیرد، فقط از دو نسخه موجود، یعنی اردست‌نویس‌های آثار شاعر در کتابخانه ملی ملک ایران (تحت شماره‌های ۴۷۵۱ و ۵۹۶۳) استفاده گردید. اما چون از نسخه‌های قلمی آثار حواحو نیک نسخه بسیار پر ارزش د گل و نورور از کتابهای مرحوم دکتر مهدی سابی موقع اقامت اینجانب در سال ۱۳۴۷

۱- نگریید همای و همایون از ابوالعطا کمال‌الدین محمود بن علی بن محمود حواحوی کرمانی با تصحیح کمال‌حسی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۸

در ایران دسترس پیدا نمود و هم چنین عکس يك نسخه بسیار طریف دگل و نوروز، ارگنجینه نسخ خطی فرهنگستان علوم ازبکستان شوروی نیز دریافت داشتیم، بنابراین بنای تدوین متن انتقادی داستان دگل و نوروز، حواصو ما در نظر گرفتن تاریخ کتبات و خصوصیات نسخ خطی موجود، نسخه‌های قلمی زیرین قرار گرفت

۱- نسخه دست‌نویس شماره ۴۷۵۱ از کتابخانه ملی ملک نسخه (د)

۲- نسخه دست‌نویس شماره ۲۹۷ از کتابهای مرحوم دکتر مهدی بیانی که در کتابخانه مجلس سنای ایران نگهداری می‌شود نسخه (س)

۳- نسخه دست‌نویس شماره ۵۹۶۳ از کتابخانه ملی ملک در ایران نسخه (م)

۴- نسخه دست‌نویس شماره ۲۱۱۲ از گنجینه نسخ خطی فرهنگستان علوم ازبکستان شوروی، نسخه (ب)

گرچه توصیف نسخه‌های (د) و (م) در مقدمه کتاب و همایون، قید گردیده با وجود این تکرار آن توصیحات را در کتاب حاضر بی‌مناست نمی‌دانیم بحسب بدان دلیل که نسخ (د) و (م) دو نسخه بسیار با ارزش برای تدوین متن دگل و نوروز، می‌باشند، دوم از آنجا که این دو نسخه در ردیف مأخذهای ارزنده کار ما قرار گرفته، لذا لازم است که خواننده گرامی با کیفیت و چگونگی و مشخصات این نسخ آشنائی یابد تا احتیاج به مراجعه به کتاب دیگری نداشته باشد

۱- نسخه (د)

کلیات حواصوی کرمانی در کتابخانه ملی ایران تحت شماره ۴۷۵۱

علامت اختصاری این نسخه (د) است که در سال ۷۵۰ هجری کتبت شده است، بدیگر سخن استنساخ آن در زمان حواصو یعنی سه سال قبل از درگذشت شاعر انجام یافته است این نسخه بعین اولین بار برای تصحیح دیوان حواصوی کرمانی مورد توجه دانشمند ارجمند آقای سهیلی حواساری در سال ۱۳۳۶ قرار گرفته است آقای سهیلی حواساری نسخه مذکور را به‌طور دلیل توصیف می‌نمایند

نسخه بعین کتابخانه ملی که در سال ۷۵۰ یعنی سه سال قبل از وفات حواصو به‌خط تعلق محمد بن عمران کرمانی تحریر شده و در همان زمان آنرا به تذهیب





رحمت و مروت است

و هم و دوی هم در دنیا  
بود روی هر مثل نام است

بوقعت از مومن و مومنین  
مردی در دنیا در شکست

حرف صوف

عبداللہ ربنا

محمد مران

الکرمان

غفر اللہ ذنوبنا

و پسرینا

www.KetabFarsi.com

ریما آراسته اند و شامل قسمتی از قصاید و ترکیبات و حصریات از دیوان صنایع الکمال و شوقیات و دایع الحمال و حمسه وی می باشد و چون نسبتاً نسخه صحیح است اکثر متن قرار گرفته است<sup>۱</sup>

همانطور که پنداست این نسخه بدان جهت که شامل قسمتی از دیوان حواجو بوده، برای تصحیح دیوان شاعر تا اندازه ای مورد استفاده قرار گرفته ولی برای نشر هیچیک از داسنایهای حواجو توجه دانشمندان و باشر من را جلب نموده است. نسخه (د) کتابخانه ملک که تحت شماره ۴۷۵۱ نگهداری می شود دست موس ریسانی است که در زمان شاعر استنساخ و با ندهم ریما آراسته شده است این نسخه مشتمل بر قسمتی از دیوان شاعر و پنج مثنوی اوست. نسخه با خط تعلیق آن زمان و در کاغذ بخودی رنگ بوشه شده است و جلد محکم چرمی قهوه ای رنگ دارد. به مرور زمان بومی جاهای این کتاب خطی پر از رش کثیف، ناخوانا، زرد و تیره شده است. تریخ قشنگ با لاجورد و سمند و طلا آراسته این دست موس را زیست می دهد. بابها و فصلها همه از اول تا آخر با عناوین خاص آغار می شوند و از این جهت هم می توان گفت که این نسخه خطی یک نمونه عالی است. هر بر تیبی کتاب آن زمان، یعنی سده قرن هشتم هجری است.

متن کلیات در حداقل حاکستری و باریجی در دوسون قرار دارد و امامت داسنایها در چهارستون بوشه شده است. در زمان تریخ قشنگ ریما اسم مؤلف ذکر یافته و بلافاصله با همان خط جمله (ادام الله فصله) قید گردیده است. سه کتابت این نسخه که در زمان حیات شاعر اشاره شده است بدون هیچ شبهه صحیح است. همانطور که اشاره گردید نسخه مذکور در سال ۷۵۰ هجری با خط محمد بن عمران کرمانی تحریر شده است. تاریخ کتابت و اسم کاتب در ص ۳۴۰ کلیات یعنی در آخر داستان «گوهر نامه» قید گردیده است. چون حواجو، «گوهر نامه» - پنجمین داستان خود را در سال ۷۴۹ به اتمام رسانده است، پیدا است که استنساخ دست موس (د) چهار سال بعد از تألیف داستان مذکور انجام یافته و اشاره ای بدین بکنه در همان نسخه ۳۴۰ نسخه (د) میر هست که با خط شخص دیگری قید شده است.

ترتیب آثار در کلیات نسحة (د) مدین قرار است

۱- کلیات (د) ما بیت دلیل شروع می شود که طبع دیوان حواجوی کرمانی

به تصحیح آقای سهیلی حواساری ابتدای دیوان بدایع الجمال شاعر است

ای بهاده حشتر در روزن سیمین مام وی فکنده چین شدر گیسوی مشکس شام<sup>۱</sup>

اس قسمت از برگه يك تا برگه ۳۹ نسحة (د) را در بر گرفته است

۲- قسمت دوم نسحة (د) - (کلیات الحصریات من دیوان فی العریات صنایع

الکمال) نام دارد که دفتر دوم است از دیوان صنایع الکمال شاعر قسمت مذکور از

برگه ۳۹ تا برگه ۱۳۵ نسحة (د) را در بر می گیرد

۳- قسمت سوم نسحة (د) کتاب الشوقیات من دیوان بدایع الجمال یعنی دفتر

عریات از این دیوان می باشد کتاب الشوقیات مرگهای ۱۲۵-۱۹۳ نسحة (د) را

در بر گرفته و ما بت دلیل پایا می یابد

گفتم که جان حواجو قرمان تست گفما درکش پاک دینان قرمان چه کار دارد<sup>۲</sup>

نحش دوم نسحة (د) شامل مثنویات شاعر بوده و مدین ترتیب است

۱- کتاب کمال نامه در ۲۵ ورق از برگه ۱۹۴ تا برگه ۲۱۵ ، ست آخر

طمع از هر چه غیر حق دیدم چون به مقطع رسد بریدم

۲- کتاب روضة الانوار در ۲۳ ورق از برگه ۲۱۵ تا برگه ۲۳۷ ، بیت آخر

تبع زمان بش شاید کشید قطع سخن کن چو به مقطع رسید

۳- داستان گل و بورور در ۵۴ ورق از برگه ۲۳۸ تا برگه ۲۹۲ ، ست آخر

به بوروری چو نقش نامه شتم به پروری وری را در شکستم

۴- کتاب همای و همایون در ۴۶ ورق از برگه ۲۹۳ تا برگه ۳۳۹ ، ست آخر

سخن را نیاید نهایت پدید ورق در شکستم چو ایجا رسید

۵- کتاب گوهر نامه در ۱۳ ورق از برگه ۳۴۵ تا برگه ۳۵۲ ، بیت آخر

سی بیخود بهر سوئی دویدم سخن کوتاه شد کایجا رسیدم

۱- دیوان حواجوی کرمانی به تصحیح سهیلی حواساری، ص، ۵۶۸

۲- دیوان حواجوی کرمانی به تصحیح سهیلی حواساری، ص، ۶۶۴

## ۳- نسخه (س)

کلیات حواجوی گرمایی در کتابخانه مجلس سنای ایران

علامت اختصاری این نسخه (س) است و همانطور که در مقدمه کتاب همای و همایون اشاره نمودیم<sup>۱</sup> این نسخه از جمله نسخ خطی مرحوم دکتر مهدی سنایی است که اخیراً به وسیله مجلس سنای ایران خریداری شده و اکنون در کتابخانه آن مجلس حرو کتابهای دانشمند فقید تحت شماره ۲۹۷ نگهداری می شود<sup>۲</sup> در نسخه تکم این نسخه قید دلیل وجود دارد که از طرف مرحوم دکتر سنایی مرقوم گردیده است

مرحوم دکتر سنایی این کتاب گران بها را بدین طریق توصیف نموده است

کلیات اموال العطاء کمال الدین محمود بن علی بن محمود حواجوی مرشدی گرمایی مشتمل بر

- ۱- دیوان منقسم بر ( دساجه و مقدمه مشور ارمشی گمنام ) ، قصاید - مقطعات - عربیات - غیره
- ۲- مثنویات ، منقسم بر
- الف) کمال نامه - ب) روضة الانوار - ج) همای و همایون - د) تحفه بهائی - ه) گل و بورور
- ۳- رسالات ، منقسم بر

۱- نگریه همای و همایون، نشر ذکر شده ، ص (کی)

۲- طبق فهرست، از نسخه های خطی نادر و پر ارزش مرحوم دکتر مهدی پیامی در کتابخانه مجلس سنای ایران ۳۵۵ جلد محفوظ می باشد. این فهرست از طرف دانشمندان ارجمند آقایان سلطان القرائی، رکن الدین همایون فرح، دکتر سید حسن نصر، دکتر ریاض حوئی و آقای مدرس رضوی امضاء گردیده و نسخ مذکور به مبلغ ۲۳۵۱۴۵۰ ریال خریداری شده است

نگارنده از دانشمندان ارجمند مر نور و رئیس کتابخانه مجلس سنای ایران - آقای جهاننداری و هم چس آقایان دیگری که در آن کتابخانه کار می کنند و امکان دسترسی به نسخ این گنجینه را برای اینجانب لطفاً فراهم ساختند، بسیار سپاسگزارم این حسن از آقای شمس آل احمد که از طرف بنیاد فرهنگ ایران رحمت تهیه عکس های نسخه های حالت توحه و مورد مطالعه را برای اینجانب آتقل نمودند از روی حق و انصاف صمیمانه تشکر می نمایم





(الف) شمع و پروانه - (ب) بعد و بوریا - (ج) مناظره شمس و سحاب -  
 (د) شراجه - (ه) مایع القلوب و مصابح المیوب (که با یک مقدمه مشور اشعار منفرقه  
 در موضوعات مجمله را جمع کرده است) نسخه به خط تعلیق قدیم - رقم اسمعیل بن -  
 ابراهیم بن عبدالله - تاریخ تحریر ۸۲۵ - ۸۲۶ است

بعلاوه مثنوی محبت نامه این نسخه را در بیاض نسخه استناده کرده و در حاشیه  
 و صمیمه در قه مثنوی کمال نامه نوشته اند و تاریخ تحریر محبت نامه سال ۸۲۴ است  
 بحاست اشاره شود که نسخه (س) همان دست نویسی است که صاحب سابق آن  
 مرحوم دکتر مهدی سابی از وجود آن نسخه در کتابخانه شخصی خود اینجاب را  
 آگاه نموده بود بدین معنی که در شهر یور ۱۳۴۵ شمسی قمری که نخستین کمپوز  
 جهانی ایران شناسان در تهران سرگدار گردیده بود و من اهداجار عصویت هبات  
 ایران شناسان اتحاد جمساهر شوروی را داشم ، مرحوم دکتر سابی همین  
 کلمات حواجوی کرمانی را برای آشنائی مختصر در اختیار اینجاب گذاشته بودند  
 اما استناده از نسخه مذکور فقط برای تهیه من انتقادی گل و بورور حواجوی کرمانی  
 صورت عمل پذیرفت

گل و بورور در این نسخه قلمی برگزهای ۱۸۸ تا ۲۱۲ را در بر می گیرد  
 ولی بداست که استنساخ این داستان به پایان نرسیده است، زیرا پس از آخرب بیت  
 در من موجود ، این قسمت از نسخه خطی شش صفحه حالی دارد که تعداد آن درست  
 در این چند صفحه آخر (د) می باشد

نسخه (س) با است دلیل پایان می ماند

رمن بوسد کای گردون علامت کجا رفت آن گو گردون حرامه

و این است برابر است دوازدهم از باب ددل داستان گل و بورور ، است « کشی  
 گرفس شاهزاده ناسل رنگی در نارگاه قیصر و انداختن شاهزاده ، شل را وصفت او ،  
 تاریخ کلمات نسخه (س) سال ۸۲۵ هجری قمری است که در صفحه ۲۹۱ آن قند  
 شده است صرف نظر از این کمبود یعنی فقدان پایان داستان در نسخه (س) ، باید  
 گفت که این نسخه یکی از بهترین دست نویسی های آثار حواجوی کرمانی است ، زیرا  
 چه از نظر خصوصیات من و چه از لحاظ تاریخ کلمات حالت توجه است بدین جهت  
 هم برای تهیه من انتقادی گل و بورور این نسخه بعنوان نسخه معسر دوم مورد



اسماده قرار گرفت

۳ - نسخه (م)

کلیات جواجوی کرمانی در کتابخانه منی ملک بخت شماره ۵۹۶۳

علامت اختصاری این نسخه (م) است که در سال ۸۲۹ هجری کلمات سده یعنی کلمات آن هفتاد و سه سال پس از درگذشت شاعر و همباد و نه سال بعد از استنساخ نسخه (د) عمل آمده است. همانطور که ناشر دیوان جواجوی کرمانی آقای سهیلی خوانساری اشاره کرده است، نسخه (م) دارای اکثر آثار نظم و نثری جواجویی باشد و از این جهت با ارزش ترین نسخه از نسخه های آثار قلمی شاعر است که بر ما معلوم می باشد. برای تصحیح دیوان شاعر نسخه (م) به عنوان منبع سوم مورد توجه قرار گرفته است.

کتاب این نسخه، قلم محمد بن طهر بن یوسف بن ابوسعد قاسمی دساوری به خط سیدبلق حوب در سال ۸۲۹ هجری قمری در دارالسلطنه در آن عمل آمده و این مطالب در آخر نسخه ذکر گردیده است. بنا بر حدس مصحح دیوان جواجو - آقای سهیلی خوانساری این سخن گویا از ساگردان میر علی سربری واضح خط نامی بوده است. نسخه تذهیبی زیبا دارد، ولی مناسباته اوراقی چند از آغار و انجام و در برخی موارد از وسط کتاب افتاده است.

ترتیب داستانهای جواجو در نسخه (م) از نسخه (د) نما ۱ فری دارد و بدین قرار است:

۱ - کتاب روضة الانوار این داستان ۱۸ ورق را در بر گرفته و چهار برگه آخر آن اسماها بجای برگهای داستان گل و نوروز که بعد از داستان مذکور می آید گذاشته شده است. بدین طریق روضة الانوار با یک قطعه می شود.

ناده جواجو که از این شاعر است مجلس او برهنگی دیگر است

بعد از این بیت، ۱۸ بیت آغار داستان گل و نوروز می آید که چهار ورق نسخه را در بر می گیرد، یعنی از مصراع ای تو ساری و سار تو هنج، تا بیت آخر روضة الانوار





تبع زبان میش شاید کشید قطع سخن کن چو بهمقطع رسد

۲- کتاب گل و نورور در نسخه (م) ۵۴ برگه را در برمی گیرد و همانطور که گفته شد چهار ورق از روصه الاموار که پس از ۱۸ بیت اول داستان گل و نورور آمده، قبل از بست در بر من گل و نورور واقع گردیده است

به عقل آموخته علم الهی به دل بشیفته صدر پادشاهی

قابل توجه است که در پایان بست آخر داستان

به نوروری که نقش حمامه مستم به پیروزی ورق را در شکستم

سال انجام استساح این داستان ۸۲۹ هجری قمری قید گردیده است تمت می-

عرة حمادی الاخر سنة ۸۲۹

۳- کتاب کمال نامه، ۲۵ برگه

۴- کتاب همای و همایون، ۴۳ برگه

۵- کتاب گوهر نامه، ۱۵ برگه

نسخه (م) گرچه از نظر بردیگی خاص به نسخ (د) و بخصوص (ل) و سماً کم دانش اطلاعات دارای برتری است، ولی حالی از نقص می باشد از نقاط این نسخه است که علاوه بر تفاوت های کم و بیش، تطویر یقین از آخر آن چند صفحه اضافه است پس از بست

گاهی نغمه ای چند کردند گوش گهی حام گل رنگ کردند بوش

بسی پایان برگه ۱۱۸ نسخه (م) ، ۳۹۳ بیت در این نسخه موجود است که

این ابیات در نسخه (د) در گهای ۸۴-۹۲ را در برگه و می توان گفت که در ماس

دو بیت قبل از نسخه (م) ۳۹۳ بیت مر نور قبلاً بوده است

گاهی نغمه ای چند کردند گوش گهی حام گل رنگ کردند بوش

بود قاف حرفی رتمکس او بود مهر شعی به بالین او

چه از نظر معانی ابیات و وابستگی منطقی مصراع ها و چه از حیث صفحه بندی

نسخه (این ابیات) در وسط دو برگه اتفاق افتاده است) می توان به احتمال قوی گفت

که نسخه (م) در وقت استساح و تنظیم آن ابیات مذکور و یا لاقلاً قسمتی از آن را

دارا بوده است

۴- نسخه (ب)

نسخه خطی داستان حواجوی کرمانی در نسخه نسخ خطی فرهنگستان علوم ارتکسان

علامت اخصاری این نسخه (ب) است و این دست نوسی است که اکنون در گنجینه نسخ خطی (اسمعیلی حاورشناسی فرهنگستان علوم ارتکسان سه روی دست شماره ۲۱۱۲ نگهداری می شود قبلاً این نسخه ولای حیره است که با شماره ۱۰۰۱ نری بحارا تحت شماره ۸۵۹ بوده و پس از آمدن به ایران شماره دولتی ارتکسان نام علمش به اثنی واقع در سهول باسکند و بعداً به گنجینه مریور منتقل شد.

توضیح این دست نوس به علم پرور مریور مرحوم ا. ا. سمیوف دانشمند مریور شوروی در کتاب دوم و هفتم نسخه های فرهنگستان علوم ارتکسان بعمل آمده و این کتاب در سال ۱۹۵۴ در تاسکند از طرف آن فرهنگستان نشر یافته است.

داستان حواجوی کرمانی در نسخه مذکور تحت عنوان گل و بورور و کل ، یعنی در خلاف عنوان صحیح و مریوف آن گل و بورور و کل گردیده است.

نسخه (ب) از لحاظ هنر نسی و کتابت بسیار لطیف و ممتاز بوده است و این و مشخصات خاص را دارا می باشد . متن کتاب با خط سلیقه بسیار عالی سهیم ، بارها و با هرات استنساخ گردیده ، صحیفات با افسان آراسنه و حواسی فراخ رنگارنگ آن اکثراً نگارین و هنرمند بوده که از سرزمینی ، طراف و سلیقه رسا و بالغ ، دعوت سهادت می دهد . نسخه با عنوان بسیار خوب و معنی بود که با رنگ های دوبل و زری آراسنه است . نسخه ماقبل ، همان کتاب دارای همه مایوری است که چه این نسخه در بافته که در دست خود بار داده و تمام نسخه بر با رنگ های - این و دشمنی رعایت شده است . به علاوه ، نسخه بعضی بار در نسخه و شماره دست به نسخه ای منتقل شده است .

است این دست نوسی تاریخ کمالات ندارد ولی از روی مشخصات کاعدت خط و عهد این نسخه می توان گفت که به لحاظ قری تاریخ در آن باید در حدود ۱۴ تا ۱۵ میلادی باشد.

نسخه (ب) دو داستان جداگانه دارد .

۱ - گل و بورور (بورور و کل) ، در ۱۴۱

